



منظومه شیرین و فرهاد سلیمی

نجف جوکار*



یکی از پیروان نظامی که در قرن نهم هجری، قدم در وادی عشق نهاد، شاعری است متخلص به سلیمی که گویا از ساکنان بندر جرون یا گمبرون (بندرعباس کنونی) بوده است. تنها منبع موجود برای یافتن گوشه‌هایی از شرح حال شاعر، همین مثنوی عاشقانه وی می‌باشد.

نخستین بار دانشور فرزانه، آقای ایرج افشار در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و سپس در کتابی به نام مجموعه کمینه از یگانه نسخه خطی شیرین و فرهاد و سراینده آن خبر دادند. ایشان ضمن آوردن صفحاتی از آغاز و پایان نسخه یاد شده که از سوی رئیس کتابخانه مرکزی زوریخ دریافت داشته بودند، چنین اظهار داشتند: «یکی از منظومه‌ها که نام و نشان آن در کتب و مراجع دیده نمی‌شود، مثنوی شیرین و فرهاد از شاعری متخلص به سلیمی است که از مردم قرن نهم هجری و مداح سلغرشاه از سلاطین و ملوک هرمز بوده و در جرون (گمبرون، بندرعباس کنونی) می‌زیسته است».

از آنجا که مأخذ دیگری برای شناخت زندگی شاعر در دست نیست، بنابراین آنچه از زندگی و اندیشه شاعر به دست آورده‌ایم، ره آورد مضامین همین مثنوی است.

سلیمی، شیرین و فرهاد را در سال ۸۸۰ و یا کمی بعد از آن سروده است و در این باره گوید:

الهی بنده را در کار خود کن

حضوری بخش و توفیقم مدد کن

که بعد از هشتصد و من بعد هشتاد

بگویم قصه شیرین و فرهاد

گمان می‌رود که تمام یا بخشی از این منظومه را در سن شصت سالگی در شیراز سروده باشد، زیرا در این باره گوید:

من این شیراز کالحق همچو او شهر

عدیلش نیست نه در بر و نه بحر

...رسانیدم در اینجا عمر با شصت

که کس از مهر با من در نییوست

با توجه به این قرینه، می‌توان گفت که ولادت شاعر در حدود سال ۸۲۰ رخ داده باشد. سالهای جوانی شاعر به غزل‌گویی گذشته و چنین می‌نماید که از موسیقی نیز بی بهره نبوده است:

در آن روزی که بُد روز جوانی

جوانی چون بود زانسان که دانی

دل‌م می‌بود با دلبر همیشه

هوای شاعری در سر همیشه

به نقش دلبران هر جا عمل گو

شده چشم غزالان را غزل گو

اما به زودی غزل‌سرایی و عمل‌گویی جای خود را به جذبه‌های عشق عرفانی می‌دهد و سلیمی در کوی عشق حقیقی سراغ مرشدی را می‌گیرد. سرانجام چرخ روزگار دست او را در دست مولا هماد الدین خلیفه و جانشین شاعر عارف، قاسم انوار می‌نهد:

به جستجو نهاد هر کجارو

همی جستم بزرگی را ز هر سو

شدم پسران و جویان بی سر و پا

سوی مولا هماد الدین و دنیا

به عالم سالک اطوار او بود

خلیفه‌ی قاسم انوار او بود

هماد الدین به قوت طبع و لطافت اندیشه سلیمی پی می‌برد و او را از غزل‌سرایی به وادی مثنوی می‌کشاند. سلیمی نیز اشارت

* دکترای زبان و ادبیات فارسی، استادیار دانشگاه شیراز

همام الدین را گردن می‌نهد و به پیروی از مخزن الاسرار نظامی چند بیتی می‌سراید، اما مثنوی سرایی وی با تأخیر و توقفی سی ساله روبرو می‌شود و پس از سی سال دوباره آن را از سر می‌گیرد:

بگفتم چند بیتی زان و ایام

فرو کشت آتشم بگذاشتش خام

به شمع من زد از باد هوا پف

فکندش سیه سال اندر توقف

ز بعد سی به خاطر آمدم باز

که بگشایم در گنجینه راز

این مثنوی که به تقلید از مخزن الاسرار سروده شده است، منبع الاطوار نام می‌گیرد، اما امروزه متأسفانه هیچ اثری از آن نیست. در فاصله این توقف سی ساله که مهمترین بخش زندگی شاعر محسوب می‌شود، هیچ نشانی از سیر اندیشه و حالات زندگی شاعر در دست نیست.

اما از اشارات وی در منظومه شیرین و فرهاد چنین برمی‌آید که چند صباحی در پیرانه سری در شیراز بسر برده است. بی‌آنکه معلوم شود که آغاز و انجام این اقامت از کی و تا چه سالی بوده است.

به گواه منابع تاریخی از جمله کتاب دیار بکره اثر ابوبکر طهرانی، هنگام اقامت سلیمی در شیراز، سلطان خلیل فرزند اوزون حسن (حسن بیک آق‌قویونلو) بر سر کار بوده است.

دومین مثنوی شاعر همین شیرین و فرهاد است که در ۳۵۶۹ بیت بر همان وزن و بحر خسرو و شیرین نظامی سروده شده است. از نظر ساختار بیرونی داستان، جز در مواردی اندک،

همانندی فراوانی با خسرو و شیرین دارد. یکی از بارزترین وجوه تفاوت منظومه، به دیدگاه دو شاعر برمی‌گردد. نظامی در لابلای داستان، با نگرشی اخلاقی و اندرزگونه با مخاطب روبرو می‌شود، اما سلیمی با الهام از طریقه عرفانی قاسم انوار و بویژه مشرب وحدت وجودی به طرح مسائل عرفانی می‌پردازد. زبان این مثنوی، ساده و بی‌پیرایه و به دور از ترکیبات پیچیده و تعقید لفظی و معنوی است.

سلیمی، منظومه شیرین و فرهاد را به یکی از ملوک هرمز (جرون) به نام سلغر شاه تقدیم داشته است. سرآغاز حکومت سلغر شاه به درستی معلوم نیست، اما قتل وی به سال ۹۰۹ یا ۹۱۰ دو سه سال پیش از حمله پرتغالیان به هرمز رخ داده است. همان گونه که پیش از این گفته شد، تنها نسخه منحصر به فرد منظومه شیرین و فرهاد در محرم سال ۸۸۶ یعنی شش سال پس از سرودن آن کتابت شده است. اصل این نسخه به خط نستعلیق در ۱۳۳ ورق نوشته شده و متأسفانه نام کاتب آن را پاک کرده‌اند. چند بیتی از اول نسخه که شاید در حدود یک صفحه بوده از آغاز افتاده است؛ اما بقیه ابیات تا پایان منظومه افتادگی ندارد و تنها در ورق ۸۷ و ۱۱۳، سه چهار بیت آن مخدوش می‌باشد. این نسخه هم اکنون در شهر ژنو در مجموعه خصوصی «بنیاد مارتین بودمر» نگهداری می‌شود.

نگارنده در سال ۷۶ ضمن مکاتبه با بنیاد مزبور، توانست میکروفیلمی از نسخه یاد شده را به دست آورد. این منظومه هم اکنون تصحیح گردیده و با یادداشتهای لازم آماده چاپ در مرکز نشر میراث مکتوب می‌باشد. □



تازه‌های مجلات
درباره متون



* در مجله معارف دوره هفدهم شماره ۲ مطالب ذیل در ارتباط

با متون کهن به چشم می‌خورد: ۱- خواجه ابو یعقوب همدانی و رساله «در بیان توحید» به قلم جلیل مسگرنژاد: این مقاله در معرفی یکی از بزرگان طریقت است که اندیشه‌های خود را بیشتر از طریق تربیت شاگردان و مریدان خود بسط داده است. نویسنده در این مقاله عین رساله از او را که کوتاه ولی بسیار جالب توجه و بدیع است معرفی می‌کند. ۲- فصل موسیقی مجموعه لطایف و سفینه ظرایف نوشته عارف نوشاهی: این مقاله در حقیقت تصحیح فصل ۹۴ مجموعه لطایف و سفینه ظرایف تألیف سیف جام هروری (در حدود ۸۰۳ هـ.

ق) است که قبلاً همین نویسنده آن را در شماره ۱ دوره شانزدهم مجله معارف معرفی کرده است. این قسم از مجموعه که در علم موسیقی و به زبان عربی است از پرده‌های موسیقی ایرانی و هندی نام می‌برد و در پایان غزل فارسی مسعود صفی را آورده که در آن نام پرده‌های موسیقی ایرانی آمده است. ۳- وصیت جنید بغدادی و یادداشتی کوتاه درباره سیاست المریدین نوشته حسن انصاری قمی: نویسنده، ضمن معرفی وصیت جنید بغدادی به بررسی کتاب سیاست المریدین، اثر ابوالحسن هارونی می‌پردازد که موضوع آن در تصوف است و برای تصوف پژوهان اهمیت دارد.